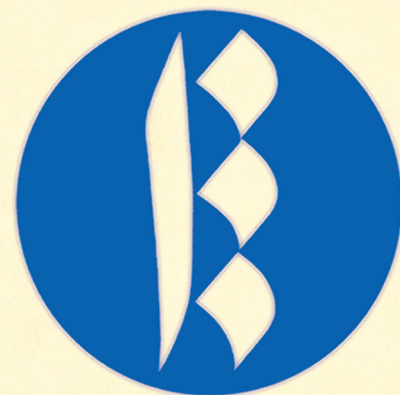


ویژه‌نامه گرامیداشت سی سال تلاش
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

(۱۳۷۲-۱۴۰۲)



سی سال تلاش میراث مکتوب



چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب : ۶۶۴۹۰۶۱۲

www.mirasmaktoob.ir



گفت‌وگو با «اکبر ایرانی قمی» مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تصحیح و تنقیح و نشر متون کهن در نهادی جوان



● امیررضا محمدی / روزنامه‌نگار

شاخص باشند، گذاشتیم. یعنی هم زبان فارسی، هم زبان عربی و هم موضوعاتی که مربوط به این حوزه است؛ اعم از تاریخ علم، ریاضی، فیزیک، نجوم، طب، تاریخ، جغرافیا، جغرافیای تاریخی، ادبیات عربی، ادبیات فارسی و هم چنین کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌شناسی‌ها، و خلاصه هر چیزی که با ایران و موضوعات تمدنی مرتبط است، به جز فقه و حدیث که آن هم دایره گسترده‌ای دارد ولی چون متولیان زیادی دارد، وارد این متون نشدیم. برای انتخاب معیارهایی را در نظر گرفته بودیم که اگر این اثر تاکنون چاپ نشده باشد و اگر هم شده باشد، چاپ خیلی خوب و منقح و قابل استفاده‌ای نداشته باشد، می‌تواند در این مؤسسه منتشر شود. هم چنین نسخه‌هایی از آثار، در کشورهای مختلف و ایران پیدا شده که به تصحیح مجدد آن کمک می‌کند، در اولویت قرار گرفت. معیار بعدی ما، زبان بود. قدمت زبان، کهنگی زبان و اهمیت زبانی آن اثر بسیار مهم است. مسئله بعد، محتوای علمی و غنای علمی آن اثر است. معیار دیگر، تازگی داشتن موضوع و محتوا بود که نسبت به دیگر کتاب‌هایی که احیاناً چاپ شده، تازگی داشته باشد. هم چنین حمایت از نخبگان و نسل جوان و دانشجویان و کسانی که رساله‌های دکتری یا کارشناسی ارشدشان را به تصحیح متون اختصاص می‌دهند، به نوعی برکشیدنشان بود تا برای احیا و تصحیح متون نسل جدیدی تربیت کنیم. هم ما فهرستی از آثاری که ارزش دارد و می‌دانیم که مصححان چاپ و تصحیح داشت تهیه کردیم و در آغاز حدود ۱۰۰ اثر را پیشنهاد دادیم که تاکنون ۹۰ درصدشان تصحیح و چاپ شده است، هم کسانی که خودشان متون در اختیار داشتند و آنها را تصحیح کرده بودند یا دوست داشتند تصحیح کنند یا حتی رساله‌شان بوده است، بررسی و داوری می‌کردیم و در اولویت کارها قرار می‌دادیم. البته کارهای دانشجویی اغلب قابل چاپ نبود چون یا کار اولشان بود یا استاد راهنما وقت نگذاشته بود. اما گاهی می‌دیدیم کار بسیار مهم و باارزشی است و از طرفی هم بالآخره باید آن جوان یاد بگیرد و بعد این راه را ادامه دهد در نتیجه گاهی از آن‌ها دعوت می‌کردیم و می‌آمدند و می‌نشستند و می‌دیدند که چگونه باید مقابله کنند. یکی از شاخصه‌های این مؤسسه در بررسی آثار وقتی بود که کارشناسان و نخبگانی که با ما همکاری می‌کردند برای اصلاح کار محققان و دانشجویان می‌گذاشتند و حتی بعضی‌شان معترض بودند که چرا باید کار این‌ها را اصلاح کنیم و وقتی چاپ شد، خوانندگان فکر کنند چقدر کار آن مصحح دقیق و پاکیزه است! البته خودشان هم می‌دانستند که بخشی از این کارها را مؤسسه انجام داده ولی به‌رحال، هدف ما این بود که این آثار منتشر بشود و بتوانیم هر سال ۱۰ تا ۲۰ عنوان منتشر کنیم.

نخستین کتابی که منتشر کردید؟ و سببش چه بود؟ چون همیشه اولین‌ها مهم هستند.

چون در سال ۱۳۶۸ که فارغ‌التحصیل شدم، چند ماهی در کتابخانه مرکز دارالقرآن مدرسه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی مشغول به‌کار شدم و با چند نفر از دوستان طلبه فهرست نسخ خطی علوم قرآنی شیعه را از روی فهرست نسخ خطی در آوردم - که کتابی شد و بعدها ناشر دیگری به نام خودش منتشرش کرد و ما هم دیگر اعتراضی نکردیم! - رساله تفسیر سوره حمد شیخ بهایی را به نام «العروة الوثقی فی تفسیر سوره الحمد» به خط خودش پیدا کردم و خیلی خوشحال

متون فارسی را ادامه داد. می‌دیدم بسیاری از آثار خطی هنوز فهرست نشده و حتی بسیاری‌شان که مربوط به سده‌های نخستین یعنی از سده چهارم به بعد هستند، در دانشگاه‌ها و کتابخانه ملی نگهداری می‌شوند. همچنین مطلع شدیم حجم بسیار زیادی از این نسخ، در کتابخانه‌های هند، پاکستان، ترکیه، آسیای میانه شامل تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان و قفقاز یعنی ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان وجود دارند و همه‌شان هزاران نسخه خطی فارسی و عربی در کتابخانه‌هایشان دارند که مربوط به فرهنگ و تمدن ایران و اسلام است.

چگونه این نهال جوان به درختی تنومند و تناور بدل شد و به‌ویژه آن‌که توانستید اعتماد اهل فضل را جلب و جذب کنید؟ چون به‌رروی در آن آغاز کار کسی شما و این مؤسسه را نمی‌شناخت.

چون از حوزه هنر به حوزه فرهنگ منتقل شدم و آن هم فرهنگ کلاسیک، بنابراین اطلاعات چندانی راجع به شخصیت‌هایی که در این زمینه کار کردند نداشتم و تحقیقاتی که انجام دادم از روی کتاب‌شناسی‌های نسخ خطی و متون بود که به فهرست حدود ۵۰ نفره‌ای از اسامی بزرگان در قید حیات رسیدم که در مشهد، قم، شیراز، کرمان و بیشتر هم در تهران به حضورشان می‌رفتم و همه قبول می‌کردند چون با شور و شوق جوانی و با حرارت دنبال این کار بودم و حتی حرف‌هایشان را یادداشت می‌کردم و یا با نوار کاست ضبط و پیاده می‌کردم. این باعث شد طیف عظیمی از متخصصان کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی و تصحیح متون را شناسایی و درگیر این طرح کنم. بنابراین وقتی فهرستی تهیه می‌کردیم و برای همه‌شان می‌فرستادیم، دست‌خط‌های زیادی از بزرگان مثل سیدجعفر شهیدی، احمد مهدوی‌دامغانی، ایرج افشار، مهدی محقق و خیلی‌های دیگر دارم که می‌گفتند این کتاب را چاپ کن یا نکن! و برای این کار رهنمودی می‌دادند. همان سال ۱۳۷۳ هم نامه‌ای برای دفتر مقام معظم رهبری نوشتم و ایشان ذیل همان فهرستی که فرستاده بودیم، توصیه‌هایی کردند، از جمله این‌که از انتشار آثاری که باعث اختلاف بین مسائل شیعه و سنی می‌شود، پرهیز کنید و یا مراقب باشید مثل دوره امویان که سعی در ایجاد تفرقه داشتند، نشوید و آثار فرهنگ و تمدن ایران و اسلام را اولویت بدهید که به فضل الهی توانستیم انجام بدهیم.

نام مؤسسه چطور انتخاب شد؟

در همان سال ۱۳۷۲ که صحبت از باز نشر متون شاخص فرهنگ و تمدن شد، گفتیم این‌ها میراث پیشینیان ما از ابن سینا، خوارزمی، ابوریحان، ابوعلی مشکویه و خیلی‌های دیگر از کسانی است که در میراث مکتوب و مستند فرهنگ و تمدن ما نقش داشتند پس چه بهتر که اسمی مناسب انتخاب کنیم. به‌گمانم حسین الهی قمشه‌ای که طرح باز نوشت متون را داد، پیشنهاد میراث مکتوب را مطرح کرد و باعث شد همان را برگزینیم و شد دفتر نشر میراث مکتوب که بعد به مرکز نشر میراث مکتوب و سپس با اخذ مجوز سه گروه پژوهشی از وزارت علوم، به مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب ارتقا یافت.

معیار انتخاب آثار برای انتشار چیست؟ آیا خودتان انتخاب می‌کنید یا مؤلفان و مصححان آثاری را به شما پیشنهاد می‌کنند؟ اصل را بر آثاری که در حوزه فرهنگ و تمدن ایران و اسلام

اگر طی این سال‌ها به‌دنبال بزرگان و استادان ایران دوست و فرهنگ‌پروری هستیم که جانانه عمر گران را بر پای اعتلای فرهنگ و تمدن ناب ایرانی و اسلامی و هویت پاک و والای ایرانیان صرف کردند و مجدانه در جهت حفظ و انتقال این مفاهیم گرامی خاک چراغ خوردند و قلم‌فرسایی کردند، نیک باید به یاد کسانی هم باشیم که در مقام اجرا و عمل، رابط بین استادان و جامعه، مجریان و تصمیم‌گیران هستند، پله‌های ادارات را می‌پیمایند و مجاهدانه پیگیری می‌کنند تا این آثار گران‌قدر که میراث نیاکان دانشمند ماست و حاصل زحمات اسلاف فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، به بار بنشینند و به جهانیان معرفی شوند. بی‌اغراق «اکبر ایرانی قمی»، یکی از شایسته‌ترین آن‌هاست که اکنون سی سال عمرش را مصروف حفظ و انتشار این باقیات ماندگار و افتخارآمیز عالمان ایرانی مسلمان کرده است. او که اوایل دهه هفتاد کارش را در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آغاز کرد، به‌سبب یک پیشنهاد، مسیر زندگانی‌اش به سوی فرهنگ تغییر پیدا کرد تا حاصلش امروز، «مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب» باشد. حقی که ایرانی به گردن نسل‌های فعلی و آینده ایران زمین دارد کم از ابوریحان و پورسینا و نظامی و افشار و موحد و انوری نیست، زیرا استخراج، تصحیح، نشر، تکثیر و معرفی این آثار خود کاری به عظمت تحقیق و تألیف آن‌هاست. اکنون به شادباش سی سالگی میراث مکتوب، با او در دفتر نام‌آشنایش در طبقه دوم ساختمان فروردین خیابان انقلاب به مرور کارنامه نهاد متبوعش پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

چه اندیشه‌ای سبب شد تا مؤسسه‌ای برای تدوین میراث فارسی تأسیس کنید؟ چون از همان ابتدا یکی از مؤسسات تابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و برایم سؤال است که بدنه وزارت‌خانه در آن روزگار چگونه بود که با چنین اندیشه‌ای موافقت شد؟ خلاصه آن‌که جرعه اولیه چطور و چگونه زده و چه نیازی به وجود چنین مؤسسه‌ای احساس شد؟

من در سه سال یعنی اواخر ۱۳۶۹ تا اواسط ۱۳۷۲ که در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در خدمت سربازی بودم، مأمور شدم درباره مباحث فقهی، اجتماعی، تاریخی، عرفانی و موسیقی کار کنم که سه جلد کتاب حاصل آن دو سال و نیم شد. بعد به فکر ادامه راه و کار بودم که به وزارت ارشاد رهنمون شدم. یکی از دوستانم که آن‌جا مشغول بود، گفت طرحی را به علی لاریجانی وزیر ارشاد وقت که مبتنی بر شناسایی و باز چاپ ۵۰ اثر شاخص تمدن ایران و اسلام است، داده‌اند. یکی دو ماهی طول کشید تا به‌دنبال مشورت‌هایی که با استادان نسخه‌پژوه و کتاب‌شناس هم چون محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار، عبدالحسین حائری، آقاعزیز طباطبایی و خیلی‌های دیگر کردیم، این طرح به شناسایی و تحقیق و انتشار آثار چاپ‌نشده در حوزه تمدن و فرهنگ ایران و اسلام تبدیل و به تهیه فهرستی از آن‌چه به نظر آنان می‌رسید که باید تصحیح و تجدید چاپ شوند، منجر شد. پیش از انقلاب، بنیاد فرهنگ ایران طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ با هدف تصحیح و انتشار همین گونه آثار فعالیت و ۲۵۰ اثر منتشر کرد که حدود ۹۰ عنوان از آن‌ها تصحیح متون بود. اما پس از انقلاب هیچ مؤسسه‌ای برای این منظور تأسیس نشده بود و توصیه این بزرگان این بود که نباید این کار متوقف شود و باید راه تحقیق و تصحیح و انتشار

به‌انگیزهٔ خجستگی سی سالگی
مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

برای وحدت ملی و تمامیت ارضی



● حمیدرضا محمدی / دبیر ویژه‌نامه

گوهر میراث مکتوب این زمان رخشان شده

جمله آثار کهن پیوسته ایمان شده
محمدحسین تسبیحی متخلص به رها

درست سی سال پیش، در زمستان ۱۳۷۲، نهادی پدید آمد تا از میراث مکتوب ایران و اسلام و نسخ خطی فارسی و عربی، پاسداری و پاسبانی کند و با محافظت و مراقبت، به نسل آینده برساند، زیرا برعهده هر نسل از اهالی این کهن‌بوم است تا میراث نیاکان دانشور و دانشمندش را نه تنها حفظ، که نشر دهد و برای اعتلا و ارتقای آن تلاش کند. در این میان نخبگان و دانشمندان باید بر احیا و نشر این میراث مکتوب بکوشند و آن را البته با رنگ و بویی آشنا به اخلاف خود بسپارند تا آنان بتوانند در نهضت تجدید حیات فرهنگی خود، آن‌ها را نقطه اتکای توسعه و پیشرفت خویش قرار دهند.

با آن‌که برای طبع و نشر این نسخه‌های برجای مانده از سده‌های پیشین، یعنی از قرون نخست پس از اسلام به بعد، تشریک مساعی نانوشته‌ای انجام شد و به‌ویژه در همین سده‌ای که پشت سر گذاشتیم، اعظام و فرهیختگان فرهنگ‌مدار خردمند معاصرمان به تصحیح این میراث پرداختند، اما هنوز کار ناکرده بسیار است و اثر بر زمین مانده فراوان، و هم چنان جای کار دارد. این نهاد پژوهشی تنها بر نشر و پژوهش این نسخه‌های ارزشمند و شایسته و بایسته چاپ، اکتفا نکرد، بلکه به ایجاد زمینه‌های مناسب برای تبادل آرا و افکار با مصححان و محققان ایرانی و خارجی، حمایت از مصححان جوان و برکشیدن آنان، ارتباط ویژه با مراکز ایران‌شناسی و گسترش زبان فارسی در دانشگاه‌های جهان، ترویج و آموزش مبانی و اصول تصحیح انتقادی متون، گسترش اطلاع‌رسانی آثار خطی، انتشار فهراس نسخه‌های خطی فهرست‌نشده، برگزاری کارگاه‌های نسخه‌شناسی و تصحیح متون در داخل و خارج کشور، و حتی انتشار مجلات ادواری اطلاع‌رسانی و تخصصی دربارهٔ متون کهن با عناوین «گزارش میراث»، «آینهٔ میراث» و «میراث علمی اسلام و ایران» کوشش کرد و این چنین به گواهی شادروان محمدامین ریاحی؛ «میراث مکتوب اساسی‌ترین کار در احیا و حفظ و پیشبرد فرهنگ اسلامی و ایرانی» را رقم زد.

«میراث مکتوب» نهادی است که به قول زنده‌یاد استاد احمد سمیعی گیلانی «خلف صالح» بنیاد فرهنگ ایران شده، بنیادی که در سال‌های پیش از انقلاب خوش درخشید. پس از انقلاب نیز میراث مکتوب در تصحیح و نشر متون کهن سرآمد نهضتی شد که حالا بدل به یک جریان شده است. در این جریان‌سازی، افزون بر آن‌که مورد حمایت و هدایت پیشکسوتان بوده، زمینه‌ای فراهم کرده تا جوانان اهل دقت، در دامانش ببالند و به‌نوعی این مؤسسه تکیه‌گاه و پاتوقی برای هر نسخه‌پژوه و کتاب‌شناس شده است و به گفتهٔ زنده‌یاد پرویز اذکایی؛ «قبله‌گاه معنوی و خانه‌امیدهای علمی ماست».

حال باید این سعی والا را ارج نهاد که زنده و بالنده به پیش می‌رود، اگرچه بر همان طریق و مسیر روز نخست، اما اکنون با کوله‌باری از تجربه، گام‌ها و قدم‌هایش را استوارتر برمی‌دارد؛ نهادی که در این سالیان دراز جز به تقویت هویت ملی و دینی و تحکیم وحدت و تمامیت ارضی ایران نیندیشیده و دمی برای نیل به آن، قصور نوزیده است. همین آخرین کتابی که از سلسلهٔ منشوراتش بیرون آمد تاریخ خلیج فارس و بنادر ایران، گواه صادق این مدعاست که به قول روان‌شاد ایرج افشار این نهاد پژوهشی «گام‌های ارزنده‌ای در احیا و اعتلای فرهنگ اسلام و ایران» برداشته است.

نویسنده‌های جوان و پرکار قبلی رنجیده شوند و کناره‌گیری کنند و ادامه ندهند و بعد به علمی پژوهشی تبدیل شد. اما همین ماه اخیر اعلام کردیم چون مقالات علمی مناسبی به حد نصاب نمی‌رسد می‌خواهیم علمی‌بودنش را حذف کنیم و غیرعلمی ادامه بدهیم! از چاپ مقالات چند اسمی هم راحت می‌شویم. وقتی علمی بود، مقالات دواسمه و چنداسمه می‌رسید و چون نمی‌خواستیم نام استاد مشاور را که زحمتی نکشیده، لحاظ کنیم، زیربار این مصوبهٔ ناحق وزارت علوم نرفتیم و بر آن شدیم رتبهٔ علمی را از مجله حذف کنیم و با همان نام آینهٔ میراث ادامه دهیم ولی از لحاظ غنای علمی، البته دوچندان خواهد شد. زیرا هر کس دیپلم هم داشته باشد ولی مقالهٔ خوبی ارائه بدهد، حتی دانشجو باشد، به اندازهٔ یک استاد برجسته است و مطلبش قابل چاپ.

این مؤسسه در این سال‌ها همایش‌های مهمی را برپا کرده و برای برجسته‌ترین شخصیت‌ها بزرگداشت برگزار کرده که اگر نمی‌کرد، شاید هیچ‌کس به آن همت نمی‌گماشت و روی زمین می‌ماند. ما یلم در این باره نیز بفرمایید.

ما در طول این سالیان در حوزهٔ همایش‌ها چند محور داشتیم؛ یکی کارگاه‌های آموزشی تصحیح متون و کتبه‌خوانی را داشتیم، نشست‌های نقد و بررسی آثار خودمان را داشتیم که در طول ۲۰ سال اخیر، این نشست‌ها برگزار شده است و ۱۷۱ جلسه رسیده است. نشست‌ها و بزرگداشت‌های شخصیت‌ها و مفاخر حوزهٔ تصحیح و تحقیق متون را داشتیم. چندین همایش بین‌المللی داشتیم از جمله همایش میراث علمی خواجه نصیرالدین طوسی، میراث علمی غیاث‌الدین جمشید کاشانی و میراث علمی کوشیار گیلانی. امسال هم مصوبهٔ هیئت امنا بود و در نظر داشتیم میراث علمی ابوریحان بیرونی را برگزار کنیم اما متأسفانه به‌رغم تصویب در هیئت امنا، تأمین اعتبار نشد و محروم ماندیم چون یونسکو سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ را برای بزرگداشت ابوریحان بیرونی اعلام کرده بود و سه کشور ازبکستان و تاجیکستان و ایران شامل آن می‌شدند. آن دو کشور به‌موقع مراسم بزرگداشت را برگزار کردند و حتی از ایران هم دعوت کردند، ولی متأسفانه برای ابوریحان که آثارش به فارسی و عربی است، و متعلق به حوزهٔ ایران بزرگ فرهنگی است، هیچ‌کاری نکردیم و فقط یک ویژه‌نامهٔ تاریخ علم در آخرین شمارهٔ «میراث علمی ایران و اسلام» به ابوریحان بیرونی اختصاص دادیم و حدود ۲۰ مقاله چاپ کردیم. هم‌چنین سال آینده کتاب «التفهیم» ابوریحان بیرونی را که پیش‌تر مرحوم جلال‌الدین همایی

تصحیح کرده بود با ویراست جدید منتشر خواهیم کرد. شاید خاص ترین اتفاق در میراث مکتوب، چهارشنبه‌های آخر ماه باشد که منتهی به آنگوشت می‌شود و حتی پذیرایی‌اش ایرانی است و تنوع شخصیت‌هایی که در این نزدیک به صد جلسه حضور داشته‌اند هم جالب توجه است. برای تألیف قلوب و به عبارتی دیگر، دلجویی و احوال‌پرسی پیشکسوتان فرهنگ، حدود ۱۲ سال است جلسات ماهانه‌ای راه‌اندازی کردیم و چهارشنبه‌های آخر هر ماه از پیشکسوتان دعوت می‌کنیم تا تشریف بیاورند. ایدهٔ اولیهٔ آن از روایت مهدی محقق از جلسات چهارشنبه‌ها در مدرسهٔ سه‌سالار آمد که خیلی‌ها از جمله محیط طباطبایی، شهید مطهری و مهدی محقق و... جمع می‌شدند و ناهار می‌خوردند و از هر بابی گفت‌وگویی صورت می‌گرفت. از سال ۱۳۸۸ به این فکر افتادم که دوستان را کنار هم جمع کنیم تا هم‌دیگر را ببینند و برکات زیادی داشته و خیلی‌ها هم‌دیگر را شاید ۳۰ سال ندیده بودند و از حال هم خبر نداشتند. خلاصه همه هر ماه می‌آیند، شعری خوانده می‌شود و به‌یاد یکی از مرحومان آن ماه جلسه یادبودی برگزار و فیلمی پخش و موسیقی‌ای نواخته و شعری خوانده و طنزی گفته می‌شود و همه با دلی خوش و رضایتی کامل و دعاگویی اینجا ترک می‌کنند. آنگوشت هم به اعتبار یک غذای سنتی دلنشین ایرانی بوده که متأسفانه به‌خاطر تغییر سبک زندگی، دیگر در خانواده‌ها طبخ نمی‌شود یا کم‌رنگ شده و حسرتش در دل خیلی از این بزرگان مانده بود و شعری هم من در این باره گفته‌ام:

خداوند خورشید و ماه و زمین
که پیش از تبارک به خلق بشر
به آب‌گوشت میراث گفت آفرین
الته هنگام خواندن کمی باید آب را کش داد! این شوخی را
هرازگاهی می‌کنم که خدا قبل اینکه آدمی را خلق کند، طعم نمک
آب‌گوشت ما را چشیده و آفرین گفته است.

خداوند خورشید و ماه و زمین
که پیش از تبارک به خلق بشر
به آب‌گوشت میراث گفت آفرین
الته هنگام خواندن کمی باید آب را کش داد! این شوخی را
هرازگاهی می‌کنم که خدا قبل اینکه آدمی را خلق کند، طعم نمک
آب‌گوشت ما را چشیده و آفرین گفته است.

بودم که اولین تصحیح من، یک اثر قرآنی است و برای آن تیمن و تبرکی قائل شدم. وقتی به میراث آدمم گفتم اولین اثری هم که شمارهٔ مسلسل و ردیف پیاپی می‌خورد، یک اثر قرآنی باشد. چندین اثر چاپ کردیم که از شمارهٔ دو به بعد بود و نخستینش، در سال ۱۳۷۳، «فراندالفواند» در احوال مدارس و مساجد اثر محمدزمان بن کلبعلی تبریزی با تصحیح رسول جعفریان بود. حدود ۱۰ کتاب چاپ کردیم تا این که در سال ۱۳۷۵ تفسیر کهنی از قرآن پیدا شد که آن را به شمارهٔ یک ثبت کردیم. این اثر قرآنی بخشی از تفسیر کهن قرن پنجمی به فارسی است که در یکی از روستاهای شمال ایران توسط مرحوم سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی پیدا شد و نسخهٔ بسیار کهنی بود که البته بعدها استادان به این نتیجه رسیدند بخشی از تفسیر خواجه عبدالله انصاری در این اثر منتشر و منعکس شده است. شما در جهان هم صاحب نام و جای هستی و با مهم‌ترین مراکز ایران‌شناسی و دیپارتمان‌های زبان فارسی و طبیعتاً ایران‌شناسان ارتباط دارید و مقبول‌شان هستی. دربارهٔ این روابط و همکاری‌ها بفرمایید.

در حوزهٔ تمدن ایران بزرگ، آثار خطی بسیار زیادی در کشورهای مختلفی وجود دارد و ایران‌شناسان بسیاری اهتمام ورزیدند این آثار را شناسایی کنند. مثلاً کهن‌ترین ترجمهٔ «قانون» ابن سینا در ایتالیا ۵۰۰ سال پیش انجام شد و آن‌ها پی بردند که این آثار چقدر اهمیت دارد و باید آن‌ها را شناخت. پیش از این که ایرانی‌ها و مسلمانان به عمق این مهم پی ببرند، ایران‌شناسان در این باره مطالعه و تحقیق کرده‌اند. ما با چندین دانشگاه و مرکز معتبر اروپایی و آسیایی و آفریقایی ارتباط داشتیم و همکاری کردیم و چندین اثر را با نشان و مقدمهٔ مشترک مانند دانشگاه آزاد برلین، آکادمی علوم اتریش، مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلیهٔ لندن و مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) منتشر کردیم و حالا به‌عنوان یک برند، از نظر ایران‌شناسان شناخته شده‌ایم. این باعث شد انتشارات بریل در

شهر لایدن هلند که بزرگ‌ترین و کهن‌ترین مؤسسهٔ انتشاراتی جهان در اروپا با قدمتی به‌اندازهٔ درست ۳۴۰ سال، با ما قرارداد امضا کردند و ۲۰۰ نسخه از آثارمان را به آن‌ها دادیم که قابل جست‌وجو در کتابخانه‌های دنیا است. اگر در وب‌سایت worldcat.org جست‌وجو کنید، فهرست کتاب‌هایی را که در کتابخانه‌های اروپایی نگهداری می‌شود، خواهید یافت و اگر در همان سایت جست‌وجو کنید، می‌بینید اکثر کتاب‌های ما در کتابخانه‌های اروپایی برای محققان اروپایی و اسلام‌شناسان ایران‌شناسان قابل

دسترس است و افتخار می‌کنم که تنها مؤسسه‌ای هستیم که بعد از انقلاب، حداقل ۲۰۰ عنوان از آثارش در کتابخانه‌های معتبر دنیا در اختیار محققان و علاقه‌مندان است و قرارداد ۲۰۰ اثر دیگر را هم در قسمت دوم همکاری‌مان در اوایل سال آینده امضا خواهیم کرد. «علی‌نامه» را وقتی در کتابخانه‌های دانشگاه هاروارد، کنگرهٔ آمریکا، دانشگاه میشیگان و دانشگاه آکسفورد دیدم، احساس خوشحالی عجیبی کردم که چه افتخار بزرگی است که یک متن حماسی شیعی در اختیار اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان قرار گرفته است و حتی وقتی آیت‌الله‌العظمی سیستانی در نجف گفت وقتی «علی‌نامه» را ورق زدم دلم شاد شد، این برای ما خیلی خوشایند بود که یکی از مراجع عظام تقلید جهان تشیع از این کتاب، دل‌شاد شده است.

شما سه مجله را هم ذیل کارهایتان تعریف کردید و حتی بزرگانی چون مجدالدین کیوانی و محمد باقری را هم همراه کردید. دربارهٔ مسیر این مجلات بگویید و هم‌چنین تکمله‌ای هم داشته باشید دربارهٔ تغییر رویکردشان از علمی پژوهشی به علمی ترویجی و سبب این اتفاق.

ما سه مجله راه‌اندازی کردیم؛ نخست «آینهٔ میراث» بود که ابتدا به‌صورت فصل‌نامه و بعد به‌صورت دوفصل‌نامه علمی چاپ می‌شد که در حال حاضر با سردبیری مجدالدین کیوانی، تاکنون حدود ۷۲ شماره‌اش چاپ شده است. بعد همزمان، «گزارش میراث» را ایجاد کردیم که اکنون با سردبیری بنده و مدیر داخلی مسعود راستی‌پور، ۹۲ شماره از آن چاپ شده است. بعد از آن هم در حوزهٔ میراث علمی ایران دورهٔ اسلامی، «میراث علمی ایران و اسلام» به سردبیری محمد باقری را راه‌اندازی کردیم. همه‌شان در مجموع ۳۰۰ شماره ضمیمه داشتند و شامل چند هزار مقاله و یادداشت علمی هستند که جملگی به‌صورت برخط در دسترس همه است. چون در چشم‌انداز مؤسسه، تبدیل شدن به پژوهش‌سکده در آینده و جذب دانشجو و پژوهشگر بود، تصمیم گرفتیم مجلات علمی داشته باشیم؛ ابتدا آینهٔ میراث را به علمی-پژوهشی تبدیل کردیم و این باعث شد برخی از



درباره مؤسسه پژوهشی
میراث مکتوب

سی سال تلاش پی گیر درخشان



• علی بلوکاشی



مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب سی ساله شد. سی سال سخت کوشی و کار پر تلاش و آرام و بی جنجال، و با حاصلی پر بار و سودمند. به دوست دانشمند فرزانهام جناب آقای دکتر اکبر ایرانی مدیریت مؤسسه که با حرکتی خردورزانه و مبتکرانه همراه گروهی از اندیشمندان و صاحب نظران برجسته ایران و یاری جمعی از همکاران جوان پر شور و صمیمی این راه ناهموار پر سنگلاخ را پیموده و امروز با قامتی بلند و پر آوازه بر فراز قله دانش سربرافراخته اند، تبریک می گویم و از خداوند بزرگ پایداری و استمرار پیروزمندانانه این نهاد علمی - مردمی را خواهانم. امید که نوادگان ما هم روزی با افتخار جشن سیصدسالگی مؤسسه را با شکوه و جلال برپا کنند.

در تاریخ فرهنگی سرزمین ما به جز بنیاد فرهنگ ایران به مدیریت استاد فرزانه شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری، نادر بوده است نهاد یا مؤسسه ای مانند مؤسسه میراث مکتوب که در گذار سی ساله عمر کارنامه ای چنین پر بار و اثرگذار داشته باشد و بتواند در کنار فعالیت های فرهنگی - پژوهشی دیگر چندصد اثر از مکتوبات گذشتگان را از تاریخ خانه تاریخ بیرون بکشد و در عرصه فرهنگ ایران امروز به جلوه در آورد. هم چنین بتواند شمار بزرگی از دانشمندان و اصحاب قلم از هر مکتب و نحله ای، و از فرهنگ و پاره فرهنگ و قوم و زبانی را زیر سقف مهر و عطوفت گرد هم آورد و از وجود پرثمر آنان در خلق آثار فرهنگی و تصحیح متون و احیای نسخ با مانده از آثار مکتوب قدما خوشه چینی کند و به چاپ و نشر آنها بپردازد. در گذشته انجمن های ادبی پراکنده ای در هر یک از شهرهای ایران بودند که هر ماه در روزی معین نشستی داشتند و جمعی از ادیبان و شاعران در این انجمن ها دور هم گرد می آمدند و اشعار و نوشته های خود را می خواندند. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب هم نشست های ماهانه ای دارد، ولیکن نشست ها و دورهمی های آن به سبب جاذبه مسیحاوی حضور و کلام و بیان بزرگان و پیشکسوتان فرهنگ ایران رنگ و بوی و بن مایه دیگری دارد.

نشست چهارشنبه های پایان هر ماه مؤسسه، معادگاهی است برای شیفتگان اهل قلم و دستداران زبان و فرهنگ ایران زمین که جمعلگی به ندای مهر آئین دکتر ایرانی لبیک می گویند و با شوق و شور به این معادگاه گام می نهند و بر سر «خوان کرم» آن می نشینند و ساعتی را در فضای معنوی آن به گفت و گو و تبادل اندیشه و بیان رویدادهای تازه در عرصه تاریخ و دانش و فرهنگ، و سخنرانی درباره شخصیت ها و یا موضوعات گوناگون می گذرانند.

مؤسسه میراث مکتوب در چاپ و نشر آثار فرهنگی از نوشته های کهن به مثابه یک میانجی تیزاندیش دورنگر عمل کرده و در پیوند فرهنگی و ذهنی میان جامعه دیروز و امروز ایران نقش مهمی ایفا نموده و همزمان همراه این کار ارزنده، خط آموزش علم و فن صحیح تحقیق، نسخه شناسی و تصحیح متون به رهجویان این وادی را با درایت پیش برده است، و این کاری است کارستان در این زمانه. هدف از بنیان نهادن این مؤسسه همچنان که مدیر آن بیان می دارد «تشویق نخبگان و حمایت از سرمایه های علمی و ایجاد بنیاد نخبگان میراثی و انتشار آثار جوانان علاقه مند و کاشتن بذر عشق و شیدایی در دل دستداران فضیلت و دانایی

بوده» است. به دکتر ایرانی عزیز بگویم که در این هدف و کار سترگ و شایسته، مؤسسه کاملاً کامیاب و موفق بوده است و قدر و منزلت کار و کرامت صاحب کار با کلام و بیان، بیان کردنی و توصیف پذیر نیست. در زمانه ای که نهادهای فرهنگی - پژوهشی و دانشگاه های ایران در ریل دیگری به جز ریل خود حرکت می کنند و در سیاست بازی چنان مشغله ذهنی دارند که کل علم و فرهنگ و پژوهش، و ادیب و دانشمند و اهل قلم را به فراموشی سپرده اند و با نگاهی بی اعتنا به این مقولات می نگرند، آن مؤسسه با همت جانانه و یاری جمع همراهان صمیم و صادق و فروتنش توانسته در احیا و حفظ سرمایه معنوی و ملی ایرانیان و حمایت از اصحاب قلم و دستداران و شیفتگان فرهنگ ایران گام های بلند و استواری بردارد و مشعل این راه را فروزان نگه دارد.

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در میان مؤسسات فرهنگی - پژوهشی دیگر زمانه ما چون گوهری گرانبها می درخشد و بدون گرافه پرتو فعالیت هایش عالم گیر شده است. شگفتا که هنوز در ایران این گوهر تابنده برای دولتمردان دست اندر کار امور فرهنگی آن چنان که باید و شاید چشم نواز نبوده تا با نگاهی دوستانه و حمایت گرانه به آن بنگرند و توجه مهر آمیزی به گردانندگان و فعالیت های آن نشان دهند. گویا همین که می بینند در این میعادگاه انس و الفت گروهی از اندیشه ورزان به کار گرفته شده اند و سر مشغولی دارند و کاری به کار آنها ندارند، بسیار هم شادمانند. نکته پایانی که لازم است بگویم این است که مجموعه آثار کهن نشر یافته در این مؤسسه افزون بر اهمیت در زمینه تاریخ و زبان و ادب و علوم و فنون، اهمیت بسیار فراوانی در پژوهش های فرهنگ شناسی و مردم شناسی تاریخی ایران دارد. انسان شناسان و مردم شناسانی که در تحقیقات مردم نگاری خود در فرهنگ های جوامع کنونی این سرزمین در جست و جوی اسناد و مدارک برای یافتن هویت تاریخی پاره ای از عناصر سازنده رفتارها و نگرش های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم در اجتماعات مختلف هستند، مراجعه به این اسناد بسیار ره گشا خواهد بود. با استناد به این آثار و سندهای معتبر به دست آمده از مردم و اقوام فرهنگ های گوناگون می توان ریشه یا اصل برخی عناصر فرهنگ رفتاری و اندیشگی مردم امروز را در ساختارها و نظام های اجتماعی دریافت و به هویت تاریخی این عناصر فرهنگی دست یافت.

هم چنان که می دانیم هویت فرهنگی، بُعد مهمی از ابعاد چندگانه هویت ملی ملتی را شکل می دهد، بنابراین برای دست یابی به هویت ملی مردم ایران، شناخت هویت فرهنگی گروه های قومی، زبانی و دینی مردم در دوره های تاریخی حیات اجتماعی آنها ضرورت تام دارد. این شناخت کمابیش از راه بررسی و تحلیل داده های این اسناد تاریخی که نشان دهنده تنوع فرهنگ های قومی و نمایانگر چگونگی خط تداوم فرهنگی میان نسل ها از گذشته دور تا به امروز است، میسر خواهد بود. این چنین دستاوردهای فرهنگی است که ما را در استوار ساختن پایه های ستون هویت فرهنگی و حفظ و تحکیم هویت ملی رهنمود خواهد کرد. * مدیر بخش مردم شناسی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

شعری در شادباش سی امین سال
تأسیس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
عمر را در کار خوب
مهربانی کرده اند



• سید علی موسوی
گرامرودی

خدا را شکر که میراث مکتوب سی ساله شد. دیر زیاد این ستون محکم فرهنگ. از صمیم جان به کاروان سالار این قافله جناب دکتر اکبر ایرانی و همکاران ارجمندش شادباش می گویم. این قطعه تقدیم حضورشان:

ای خوش آنان کاندین نامهربان دنیای بد
عمر را در کار خوب مهربانی کرده اند
خود چو خور پیوسته سرگردان عالم بوده اند
پیش پای دیگران پرتوفشانی کرده اند
پیش پافتادگان دشت حسرت را چو کوه
با شکوه و استواری پُشتبانی کرده اند
صخره های ساحل صبر و نجابت بوده اند
با هجوم موج غم ها سرگرانی کرده اند
گر چو ابر از گریه بار دل [گهی] بگشودند
گریه هم چون شام بارانی نهانی کرده اند
چون در افشاندنم ز گرمارود من این قطعه را
بر سر آنان که عمری جانفشانی کرده اند
* شاعر

شادباش به مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

آثار تحسین برانگیز

خوش وقتم که پیام تبریک خود را برای اعضای مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، به خصوص ریاست آن جناب آقای دکتر ایرانی به مناسبت سی امین سالگرد تأسیس مرکز اعلام دارم. میراث مکتوب خدمات ارزشمند بسیاری برای محققان در گوشه و کنار عالم انجام داده است.

فهرست آثار منتشره و کنفرانس های برگزار شده توسط میراث مکتوب تحسین برانگیز است. اینجانب به خصوص قدردان آثار متعدد منتشره در ارتباط با تاریخ علم و فرهنگ در ایران و اسلام هستم. و البته به خصوص به خاطر انتشار ترجمه فارسی مقدمه اینجانب بر «التذکره فی الهیة» خواجه نصیر طوسی به همراه متن مصحح آن و مجلد دوم کتاب «الرسالة المعینیة» که شامل ترجمه انگلیسی آن می شود و با همکاری دکتر فاطمه سوادی و دکتر سجاد نیک فهم خوب روان تهیه شده، سپاسگزار هستم.

* استادمیریس مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا



• فانز جمیل رجب

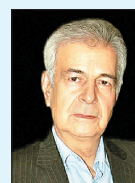
در اهمیت جایگاه مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مجاهده سی ساله

در روزگاری که خردمندان زاده و بالیده و بهره مند از نعمت های ایران می گویند: ایران کجاست؟! و در زمانه ای که ارزش های اخلاقی و انسانی برآمده از فرهنگ انسانی و الهی ایران مورد غفلت است و حتی مورد بی عنایتی و بی توجهی به عمد! و در زمانی که شیوه های نادرست آموزشی کار را به جایی رسانده که جوانان میهن بی خیر از ارزش های گران سنگ فرهنگ شان می گویند: «تاریخ مصرف این حرف ها گذشته!!!»...

پرداختن به میراث فرهنگی مکتوب میهن مان ایران تلاشی است کم نظیر و ارجمند که اگر از آن به «مجاهده» تعبیر کنم خطا نگفته ام و راه خطا نیوییده ام. توفیق تان را، با دل سوخته، به دعا از خدا می طلبم.

* مدیر بخش ادبیات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی



• اصغر دابه

شادباش برای سی امین
سال تأسیس مؤسسه
پژوهشی میراث مکتوب

آگاه ساز جامعه جهانی



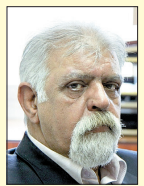
• جان لنارت برگرن

جشن سی امین سال تأسیس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب را تبریک می گویم. به عنوان کسی که افتخار حضور در هیئت تحریریه نشریه میراث علمی اسلام و ایران را دارد، مایه خرسندی بسیار است که از کار مهمی که این نشریه در آگاه سازی جامعه جهانی درباره کارهای مهمی که دانشمندان و پژوهشگران ایرانی در توسعه تمدن جهانی داشته اند، یاد کنم.

* پژوهشگر برجسته تاریخ ریاضیات و نجوم دوره اسلامی و استاد بازنشسته ریاضی دانشگاه سایمون فریزر (کانادا)

درباره تأثیرگذاری «میراث مکتوب»

خلایی که پر شد



جمشید کیانفر*

پیش از انقلاب سه مؤسسه معتبر در کار نسخ خطی فارسی و عربی بودند؛ بنیاد فرهنگ ایران در زمینه تصحیح و ترجمه متون، نگاه ترجمه و نشر کتاب در عرصه تصحیح، تألیف و ترجمه و انجمن آثار ملی در حیطة تألیف و تصحیح، که پس از انقلاب بنیاد فرهنگ از حیث موجودیت افتاد، نگاه ترجمه و نشر کتاب با مؤسسه انتشارات فرانکلین با عنوان شرکت ادغام شد، پس شرکت انتشارات علمی و فرهنگی از مسیر خود منحرف شد و دیگر مثل گذشته فعال نبود فقط میراث خوار قبل از انقلاب بود و هست و انجمن آثار ملی با نام جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی یک بار کارهای قبل را تجدید چاپ کرد و با کارهای جدید آن نهاد دیگر مثل قدیم نبود. با گذشت ۱۵ سال از انقلاب، در اوایل دهه هفتاد با تحولی عظیم روبه‌رو شدیم. در زمینه تصحیح متون - افزون بر بخش خصوصی - نهادی نیمه دولتی آغاز به کار کرد و توانست خلأ آن سه مؤسسه را پر کند. دفتر نشر میراث مکتوب که بعدتر مرکز نشر و سپس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب نام گرفت، در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد و نخستین کتابش را هم یکسال بعد منتشر کرد.

همکاری من در آغاز به صورت رفت‌وآمد با مؤسسه شروع و در بهمن ۱۳۸۱ از سوی دکتر ایرانی دعوت به همکاری شدم و این همکاری، سردبیری مجله «آینه میراث» بود، از آنجا که در شرف بازنگشتگی بودم، این پیشنهاد را پذیرفتم و همکاری با میراث مکتوب از اسفند همان سال آغاز شد.

البته پیش‌تر ۱۹ شماره از آینه میراث با قطع رحلی منتشر شده بود ولی یکی از شروطم برای پذیرش این مسئولیت، تغییر قطع مجله مثل مجلات علمی به وزیری بود و تا آبان ۱۳۸۶، توفیق همکاری مستقیم داشتم و ۲۵ شماره از این مجله (شماره‌های ۲۰ تا ۴۴) منتشر کنم. با آمدنم، در سومین شماره، مجله امتیاز علمی-ترویجی گرفت و وقتی قرار شد به علمی-پژوهشی تغییر وضعیت پیدا کند، از سردبیری آن کناره‌گیری کردم اما هنوز به مؤسسه رفت‌وآمد دارم. میراث مکتوب برای احیای متون بنیان گذاشته شد و در چند محور کار را پیش برد: کلیات - که توانست چند فهرست متون و نسخ قابل توجه و هم‌چنین چند کتاب درباره نسخه‌شناسی چاپ کند - فلسفه، دین، علوم و فنون، تاریخ، جغرافیا، ادبیات و پزشکی. افزون‌براین شخصیت‌های علمی مانند ایرج افشار یا محمدتقی دانش‌پژوه یا عبدالحسین نوایی به آن مؤسسه رفت‌وآمد پیدا کردند و همین تأثیر زیادی بر قبول عام آن گذاشت.

به‌جز مجله، وقتی به مؤسسه رفتیم، سلسله‌نشست‌هایی را بنا نهادیم که نخستینش، درباره چگونگی و تاریخچه و نوع تصحیح متون با حضور استاد ایرج افشار و کامران فانی در مرداد ۱۳۸۲ بود. توانستیم حدود ۷۰ نشست برگزار کنیم که خوشبختانه تاکنون به ۱۷۱ جلسه رسیده است.

هم‌چنین به پیشنهاد من، قرار شد درباره میراث مشترک با کشورهای دیگر با عنوان میراث مشترک

ماوراءالنهر، عثمانی، شبه‌قاره و اروپا کارهایی چاپ شود و هم فهرست متون فارسی در کتابخانه‌های آن‌جا منتشر شود و هم تصحیح و انتشار نسخه‌های خطی موجود در آن‌جا و در این زمینه هم توانسته توفیق داشته باشد. مضاف‌براین که کوشیده با رایزن‌های فرهنگی کشورهای مختلف و هم‌چنین ایران‌شناسان و شرق‌شناسان خارجی ارتباط داشته و همین سبب شده تا میراث مکتوب، در میان گروه‌ها و مراکز زبان فارسی و ایران‌شناسی جهان نامی معتبر باشد و حتی انتشارات بریسل در هلند با بیش از سیصدسال قدمت، با آن همکاری کند.

حُسن مدیریت میراث مکتوب این است که هم از یک‌سو در برابر بزرگان اهل فضل دوزانوی ادب در محضرشان بنشینند و هم عرصه و زمینه را برای رشد جوانان و جایگزینی و جانشینی آنان فراهم و حتی در گرفتن نسخه کمک‌شان بکنند.

مدیر این مؤسسه بسیار اهل مشورت است و اصولاً یکی از کامیابی‌های او این است که همیشه در حال اکتساب بوده و موفقیت امروز، مرهون دوراندیشی و انعطاف‌پذیری اوست که علم برایش مهم است نه حرف این و آن چنان‌که با پیشنهاد چاپ رسائل (نوشته‌های کوتاه) نیز موافقت کرد که مجموعه دیگری با عنوان رسائل در آن مؤسسه انتشار یابد.

امیدوارم حیات این مؤسسه و فعالیت آن، سده‌ها ادامه یابد.

* سردبیر پیشین مجله «آینه میراث»

دراهمیت احیاء میراث مکتوب

برگ زرین فرهنگ ایران



علی اشرف صادقی*

مرکز پژوهشی میراث مکتوب بعد از انقلاب تنها مرکزی است که کمر همت به احیاء میراث مکتوب ما بسته و نزدیک به سیصدجلد از موارث ما را احیا کرده است. کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر در این مرکز به چاپ رسیده همه گزینشی است و بسیاری از آن‌ها نخستین بار است که روی چاپ به خود می‌بیند.

شناسایی نسخ خطی در کشورهای دیگر و عکسبرداری یا تهیه سی‌دی از آنها یکی از اقدامات بسیار خوب این مؤسسه است.

چاپ سه مجله ارزشمند نیز برگ زرین دیگری است که بر کارنامه آن افزوده می‌شود. توفیق اولیاء مؤسسه در ادامه این خدمات ارزشمند را خواهیم.

* عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

یادداشت منتشر نشده‌ای از «احمد سمیعی (گیلانی)»

پروپیمان و پرمایه



احمد سمیعی (گیلانی)*

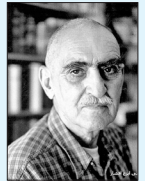
میراث مکتوب می‌توان گفت خلف صدق بنیاد فرهنگ ایران است. مدیریت کاردان پرکار کارگشته آن جوانی است شیفته زبان و ادبیات فارسی. خوشبختانه این مدیریت برخلاف مدیریت برخی از انتشارات دولتی و نیمه‌دولتی ثابت و پایدار مانده که خود یکی از عوامل مؤثر این بنیاد فرهنگی است. دستاورد میراث مکتوب پروپیمان و پرمایه است. فحول مصححان سرشناس و درج‌ب آنان جوانان فاضل و پرهمت با آن همکاری دارند. میراث مکتوب در گردآوردن پیشکسوتان و ملحق ساختن نسل تازه مصححان توفیق کم‌نظیری داشته و امید است در سال‌های آتی در راه احیای میراث پرارزش مکتوب زبان فارسی کامیاب و پیروز باشد.

۳۰ آبان ۱۳۹۷

*مدیر گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی

یادداشت منتشر نشده‌ای از «ایرج افشار»

حافظ حقوق پیشینیان



ایرج افشار*

میراث مکتوب که پانزدهمین سال عمر را می‌گذراند برای من یادآور روزی است که در هم‌صحبتی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه شیفته نسخه خطی و متون پیشینه به محلی نزدیک به پل رومی می‌رفتیم و با آقای ایرانی دیدار شد که قصدشان پایه‌ریزی این مرکز بود. یاد دانش‌پژوه به‌خیر باد که هرکس را در پی نشر و طبع آثار گذشته بود کمک می‌کرد و پیشگام می‌شد که به یاری او درآید.

چون امروز که در جمع دوستان میراث هستم و مقداری از صحبت‌ها بر سر نسخ مجعول بود خاطراتم را گفتم و بالاخره صحبت به موضوع حقوق مؤلف پیش آمد؛ تصورم بر این است که این مؤسسه با انتشار متون طبعاً کمکی مؤثر به حفظ حقوق پیشینیان خواهد کرد. پایداری آن را خواستارم.

دوم اردیبهشت ماه جلالی (۱۳۸۸)

*ایران‌شناس

در ضرورت انتشار متون مغفول مانده از سوی میراث مکتوب استعمار سی ساله



جغفلی حبیبی*

استعمار سی ساله یک نهاد فرهنگی رخدادی بسیار مهم است و همین تداوم، از نشانه‌های توسعه منابع فرهنگی به‌ویژه در حوزه میراث مکتوب و کتب خطی است که مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، فعالیت‌های بسیار زیادی کرده و متون مهم مورد غفلت قرار گرفته اعم از نسخه خطی و چاپ سنگی را تصحیح و منقح و منتشر کرده و در کار خود موفق بوده و اصلاً همین استعمار و پشتکار اتفاق مهمی است که بسیاری را دور هم جمع کرده و افزون بر کتاب، سه‌عنوان مجله را هم منتشر می‌کند که جملگی از ارزش علمی فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند و کاش این نهضت موفق ادامه پیدا کند و عمری دراز داشته باشد.

* عضو هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

در خجستگی سی سالگی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

قدم‌های بلند در شناساندن فرهنگ ایرانی اسلامی



علی اشرف مجتهد شبستری*

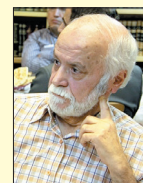
ملتی که از تاریخ و گذشته خود بی‌خبر باشد امروز و آینده ندارد. مؤسسه میراث مکتوب از بدو تأسیس در جهت شناساندن فرهنگ غنی ایرانی اسلامی قدم‌های بلندی برداشته و آثار ارزشمندی به چاپ رسانده است. یقیناً زحمات جناب آقای دکتر اکبر ایرانی قمی در توفیقات این مؤسسه نقش اساسی داشته و لازم است از ایشان و همکاران سخت‌کوش‌شان در مؤسسه تشکر و قدردانی به عمل آید. امید است در شرایط کنونی که فعالیت‌های فرهنگی با چالش‌های عدیده مواجه می‌باشند و با عنایت به نیاز مبرم نسل‌های امروز و آینده برای شناخت میراث مکتوب حوزه ایران فرهنگی و اسلامی، مسئولین مربوطه از مساعدت‌های مالی و حمایت‌های معنوی این مؤسسه دریغ ننمایند. لازم می‌دانم از توجه جناب دکتر ایرانی به آثار اساتید تاجیکی و چاپ آنها در مؤسسه (ازجمله آثار مرحوم استاد افصح‌زاد درباره عبدالرحمن جامی) تشکر ویژه داشته باشم.

*نخستین سفیر ایران در تاجیکستان

میراث مکتوب که پانزدهمین سال عمر را گذرانده
برای من یادآور روزی است که در هم‌صحبتی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه
شیفته نسخه خطی و متون پیشینه به محلی نزدیک به پل رومی
می‌رفتیم و با آقای ایرانی دیدار شد که قصدشان پایه‌ریزی این مرکز بود.
یاد دانش‌پژوه به‌خیر باد که هرکس را در پی نشر و طبع آثار گذشته بود کمک می‌کرد
و پیشگام می‌شد که به یاری او درآید.
چون امروز که در جمع دوستان میراث هستم و مقداری از صحبت‌ها بر سر نسخ مجعول بود
خاطراتم را گفتم و بالاخره صحبت به موضوع حقوق مؤلف پیش آمد؛ تصورم بر این است
که این مؤسسه با انتشار متون طبعاً کمکی مؤثر به حفظ حقوق پیشینیان خواهد کرد.
پایداری آن را خواستارم.
دوم اردیبهشت ماه جلالی (۱۳۸۸)

درباره خدمات مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

کوچک کم ادعا



● مجدالدین کیوانی*

مراکز پژوهشی و بنیادهای فرهنگی را می‌توان از نظری به دو دسته تقسیم کرد؛ یکی آنهایی که بیش از آنچه هستند می‌نمایند و دیگر آنهایی که بیش از آن هستند که می‌نمایند. در نتیجه، دسته اول بیش از آن اندازه که مستحق آنند، قدر می‌بینند و حمایت می‌شوند و دسته دوم به قدر استحقاق خود نه در معرض توجه و شناختند و نه پشتیبانی می‌بینند. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در شمار دسته دوم است که در حد شایستگی خود از عنایت و حمایت معنوی و مالی اهالی دولت و دیوان بی‌بهره است، حال آنکه وضع در مورد بسیاری از مؤسساتی که عنوان «تحقیقاتی» و «مطالعاتی» را (اغلب به‌نازوا) یک‌می‌کشند، فرق می‌کند.

ده دوازده سال می‌شود که با فعالیت‌های مرکز میراث از دور و نزدیک آشنا بوده‌ام. مؤسسه کوچک کم‌ادعایی است که کارهای بزرگش کم نیست. بوق و کرنای فراگیری به‌دست ندارد که هر دم در آن بدمد و از خود ستایش کند زیرا می‌داند که تعریف خود کردن به چه معناست. تشکیلات عریض و طویل، نیروهای خرد و درشت بسیار و ساختمان‌های مجلی ندارد که بستان بالبد و بنازد. از مال دنیا یکی دو آپارتمان و انبار دارد که اکثر فعالیت‌هایش را در یکی از این آپارتمان‌ها واقع در طبقه دوم ساختمان «فروردین» در خیابان انقلاب تهران متمرکز کرده است. در این طبقه هم پژوهشگرهایش

تحقیق می‌کنند، هم محل تهیه دو نشریه علمی آن است؛ هم نشست‌ها و همایش‌های گوناگون در آن تشکیل می‌دهد، هم در سال‌دها کتاب و رساله تصحیح، تنقیح و تولید می‌کند و هم چهارشنبه‌های آخر هر ماه در آنجا با غذای آبگوشت اطعام اهل تحقیق و ارباب کتاب و نشر می‌کند: قَالِ هِيَ عَصَايَ اَتَوَكَّلُ عَلَيْهَا وَاَهْشُ بِهَا عَلَيَّ غَمِي وَلِي فِيهَا مَارَبِّ اٰخِرِي.

در همین فضای محدود و عاری از زرق و برق، به تدبیر مدیر لایق آن، دکتر اکبر ایرانی، و همکاران صمیم و یکدل او چنان جو دوستانه و گرمی خلق شده که می‌سزد الگوی بسیاری از مؤسسات مشابه قرار گیرد. در مرکز میراث، اگر به سبب تنگناهای اقتصادی ریخت‌وپاش‌های مالی نیست (که بهتر که نیست) اما روح همکاری و نگاه‌های مثبت فراوان در آن احساس می‌شود: «در مجلس ما رونق اگر نیست صفا هست/ آنجا که صفا هست در آن نور خدا هست». تجربه‌ای است نه چندان نادر که به محض ورود به بسیاری از مراکز علمی - فرهنگی (از دوائر دولتی ناگفته سخن بهتر!) باد برود برخاسته از نشستگان در آن مراکز، به روی شما می‌وزد و درجا می‌خوبتان می‌کند، به‌قسمی که از آمدن خود نادم می‌شوید؛ اما چون اجبار دارید، ناامیدانه لاجول‌گویان قدم به پیش می‌گذارید. در مرکز میراث چنین نیست. نیت

همه در این محیط دوستانه استقبال دوستانه و همدلانه است. بنای جمع همکاران حل مشکل و نمودن راه به ارباب رجوع است. همه یار و مکمل یکدیگرند. میان نیروی ارشد و نیروی زیر نظر آن رابطه‌ی رئیسی و مرئوسی احساس نمی‌شود. همیشه برخورد مدیرعامل مرکز را با کارکنان و پژوهشگران مرکز منبعث از تمایل به همکاری و همفکری یافته‌ام، نه ناشی از روح ریاست‌گرایی و تحکم. چنین فضای خالی از ملاحظات خشک اداری و آکنده از عشق به همکاری در جهت پیشبرد اهداف علمی - فرهنگی مرکز است که به تولید انبوه کارهای ارزنده‌ای طی کمتر از سی سال اخیر امکان داده است. دکتر ایرانی، که در این مرکز نقش محوری داشته، خود شخصیتی مطلع، هوشمند، آزاده و آزاداندیش است؛ اما این اقبال را هم داشته که با همکاری کارکنان، دلسوز و صمیمی در یک حلقه گرد آیند و مصادر خدمات گران‌قدر در راه احیای بسیاری از آثار مکتوب ایران‌زمین بشوند. اینان به حداقل می‌سازند تا فرهنگ ایرانی - اسلامی را به حداکثر برسانند.

برای دکتر ایرانی و همکارانش سلامت، خاطر آسوده و سعادت آرزو می‌کنم و خواستار آنم که پایدار بمانند تا میراث معنوی ایران عزیز ما را ماندگار سازند. خدایشان یار و تندرستی آنان برقرار باد.

* سردبیر مجله «آینه میراث»

درباره مؤسسه‌ای که عالمانه‌ترین و محققانه‌ترین تصحیحات و تألیفات حوزه مطالعات ایرانی را منتشر می‌کند

بسی رنج بردی در این سال سی



● سجّاد آیدینو*

اگر روزگاری فردوسی طوسی حدود سی سال از عمر خویش را صرف شاهنامه‌سرایی کرد و اثری جاودانه آفرید امروز نیز فرهیخته نیکخوی جناب آقای دکتر اکبر ایرانی و همکاران کوشای ایشان در مرکز میراث مکتوب، سی سال است که برای پاسداشت و نشر میراثی که فردوسی و فردوسیه‌ها به یادگار گذاشته‌اند می‌کوشند و حاصل و تأثیر زحمات ایشان هیچ کم از همت فردوسی و همانندان فردوسی نیست. در زمانه‌ای که عمر فعالیت مؤسسات و بنیادهای پژوهشی مستقل یا نیمه‌مستقل، معمولاً طولانی نیست استمرار سی‌ساله کارهای مرکز میراث مکتوب - که آرزو داریم سیصد سال دیگر نیز بپاید - محصول مهر فروزان فرهنگ و ادب ایران در

جان میراث مکتوبیان و کوشش‌ها و تاب‌آوری‌ها و فداکاری‌های عاشقانه آنان است. نگارنده این سطور از اوایل دهه هشتاد بخت و افتخار آشنایی با مرکز میراث مکتوب و ارادت یافتن به جناب دکتر ایرانی و همکارانشان را داشته و به چشم و گوش بارها شاهد بوده است که این بزرگواران برای روشن نگه داشتن چراغ مرکز چه سختی‌هایی را از سر گذرانده و تحمل کرده و به‌راستی «در رهگذار باد نگهبان لاله» بوده‌اند. کارنامه سی‌ساله این مؤسسه پژوهشی عیان است و نیازی به یادآوری و تکرار بنده و همانندان بنده ندارد. انتشار چند صد عنوان و جلد کتاب و مجله - آن هم در موضوعاتی که خواستاران و خریداران خاصی دارد و اصطلاحاً عامه‌پسند نیست - با روشمندی علمی و کیفیت مطلوب چاپ به‌تنهایی کافی است که مرکز میراث مکتوب را یکی از بهترین و پرکارترین مراکز و بنیادهای علمی - پژوهشی صد سال اخیر ایران و جانشین سزوار بنیاد فرهنگ ایران سابق بدانیم. برخی کتاب‌های چاپ‌شده مرکز میراث مکتوب در رده عالمانه‌ترین و محققانه‌ترین تصحیحات و تألیفات حوزه مطالعات ایرانی جای می‌گیرد و دو مجله نامدار این مرکز یعنی آینه میراث و گزارش میراث از بهترین نشریات متن‌شناسی و ایران‌شناسی روزگار ماست. آینه میراث با اینکه درجه علمی - پژوهشی دارد خود را از بسیاری از آفات مجلات مشابه دور نگه داشته و گزارش میراث مجالی فراهم آورده است که هم استادان و محققان مشهور و هم پژوهندگان جوان و نوقل یافته‌های خویش را حتی اگر بسیار کوتاه و یادداشت‌مانند نیز باشد چاپ بکنند. در کنار انتشارات، جلسات علمی متعددی که سال‌ها در این مرکز برگزار شده و مدتی است که با چهارشنبه‌های آبگوشت‌خوران نیز پیوند خورده است نقش بسیار مهمی در تبادل آراء دانشوران و دیدارها و گفتگوها و آشنایی‌های آنها داشته است و دارد. نگارنده معتقد است - و می‌داند که بسیاری دیگر نیز بر این اعتقادند - که سبب اصلی موفقیت‌های نمایان و دوام کارهای مرکز میراث مکتوب غیر از الطاف یزدانی و همکاری‌های استادان و محققان مختلف، حضور ثابت و دائم جناب دکتر ایرانی در رأس این مرکز در سی سال گذشته بوده و خوشبختانه این مرکز مانند بعضی مراکز دیگر گرفتار آسیب تغییر مدیران نشده است. دکتر ایرانی خود هم محقق است و فاضل و هم فضل او آراسته به زیور فضیلت و دانش‌پروری و فرهنگ‌گستری است. ایشان هم قدر بزرگان فرهنگ و ادب ایران را می‌داند و ارادت و احترام ژرف خود را به صورت‌های مختلف به آنها نشان می‌دهد و هم پشتیبان و مشوق پژوهشگران جوان است. نگارنده بیش از بیست سال است که از لطف و عنایت بزرگ‌منشانه دکتر ایرانی برخوردار است و هرگز یاری‌ها و تشویق‌های مختلف ایشان را فراموش نمی‌کند. می‌دانم که جز بنده علاقه‌مندان جوان دیگری هم از حمایت‌های ایشان بهره‌یاب شده‌اند و هنوز هم هستند و خوشبختانه برخی از آنها اکنون از محققان بسیار خوب به شمار می‌آیند.

مرکز میراث مکتوب با مدیریت مدبرانه و مهربانانه جناب دکتر ایرانی و همکاری محققان و کارمندان آن در این سی سال به بنیادی علمی و صمیمی تبدیل شده که مورد اعتماد بزرگان فرهنگ و ادب ایران است و به پشتوانه این مدیریت، صمیمیت و وثوق کارنامه زینتی از خود به یادگار گذاشته است که کم و کیف آن بسیار بیشتر از سال‌های فعالیت سی‌ساله‌اش است.

چگونه برون‌آوردی هنر؟

جهاندار سی سال از این بیشتر

* استاد دانشگاه پیام نور اورمیه

درباره وظیفه خطیر «میراث مکتوب»

ضرورت انتقالِ موارِثِ تمدنی و فرهنگی



● محمدتقی املمی خوئی*

تمدن نشانه اعتلاست. ایران از انگشت‌شمار کشورهای است که کانون تمدن بوده‌اند و یکی از نادر تمدن‌هایی است که هویت بالنده‌ای داشته و توانسته است با چند هزار سال پیشینه تاریخی، همچنان به حیات خود ادامه دهد. ایران به‌گفته حکیم نظامی «دل» عالم و قطب فرهنگی منطقه بوده و از قرن‌های کهن عناصر تمدنی و اندیشه‌های آن توانسته است در میان ملل شرق و غرب از چین تا امریکا نفوذ کند. موقعیت جغرافیایی ایران از سوی موجب طمع ملل دور و نزدیک قرار گرفته و به تخریب کالبدی و اجتماعی آن منجر شده و از سوی هم سبب آبدیگی مردم و توانمندی ملی و زاینده‌گی فرهنگی آن گردیده است. هنوز هم به‌سان گذشته ارتباط شرق و غرب با وجود ایران و موقعیت راهبردی آن معنا پیدا می‌کند، از این رو شناساندن جایگاه تاریخی و فرهنگی ایران از ضرورت‌های رسانه‌ای است که خوشبختانه مؤسسه باارزش «میراث مکتوب» این وظیفه خطیر را بر عهده گرفته است. توفیق دست‌اندرکاران آن را از خداوند متعال خواهانم.

* تاریخ‌نگار و استاد دانشگاه



در شادباشی سی‌سالگی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مأمّن متن پژوهان



● سوسن اصیلی*

سی‌سالگی یعنی روزها و ماه‌ها و سال‌ها تجربه. سی‌سالگی کوله‌باری از آموختن و آموزش را بر دوش دارد. سی‌سالگی شکوفایی بیشتر است به پشتوانه دستاوردهای روزهای طی شده. و حالا سی‌سالگی میراث مکتوب است. مرکزی که صدها متن مهم خطی را به اهل علم ارائه کرده. قطعاً در این سال‌ها فرازونشیب‌ها و مشکلات جامعه این مرکز را بی‌نصیب نگذاشته اما نشر میراث مکتوب با درایت بنیان‌گذارش دکتر اکبر ایرانی و همت همکاران پرتلاش ایشان نه افتان‌وخیزان که با قدرت خود را حفظ کرده و همچنان مأمّن متن پژوهان است. محافل انس میراث فضای تبادل اندیشه‌ها، برپایی جلسات نقد کتاب و همایش‌های متعدد از وسعت فعالیت‌های این مرکز حکایت می‌کند. فعالیت پویا و سودمند دکتر ایرانی در برنامه حافظه جهانی نشانگر دوستی ایشان است. امیدوارم سال‌های سال چراغ این خانه روشن باشد. چشم بد از آن دور باد و همچنان پاینده باشد.

* نسخه‌پژوه

درباره یکی از کاراترین
نهادهای غیردولتی

محصول عشق و علاقه فرهنگ دوستان



• یوسف ثبوتی

فعالیت‌های مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب که از معدود نهادهای غیردولتی است که از عشق و علاقه فرهنگ دوستان به وجود آمده است، در حیطه احیای میراث ایرانی و اسلامی و متون کهن فارسی و عربی شاهکار است. نه این که قبلاً بزرگان به میراث گذشته بی تفاوت بوده باشند که از قضا بسیار هم کار کرده‌اند که مصادیق آن در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب و انجمن آثار ملی قابل رصد و ردیابی است اما اکبر ایرانی، در سی سال اخیر، یک‌تنه این نهاد را ایجاد کرد و گروه کثیری از اهل تحقیق و تدقیق را گرد آورد تا در گذشته این سرزمین دست‌کم از هزار سال پیش تا کنون کندوکاو کنند که محصولش انتشار بیش از چهارصد عنوان کتاب است که این بار را به دوش کشید و از بوتۀ فراموشی درآورد و در معرض استفاده قرار داد.

اندیشه در ایران سابقه‌های طولانی دارد؛ از ریاضیات و نجوم تا فلسفه و منطق و انواع علوم کاربردی نظیر پزشکی و علوم طبیعی، نشان از سهم عظیم ایرانیان در بنیاد علم جدید دارند و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در شناختن و شناساندن این آثار نقش به‌سزایی ایفا کرده است. اخیراً شاهد بودم آثاری در نجوم و حساب را از زیر خاک گذشته‌ها به‌دروازد و گرد آن را زدود و مورد بازبینی و بازخوانی و بازنویسی قرار داد که بسیارمغتنم است. ممکن است بگویم مکتوبات هزارسال پیش برای امروز کاربرد ندارند اما اینکه جوانان بدانند اندیشه در این آب‌و‌خاک ریشه‌تناوری دارد، شاید مهم‌ترین دستاورد این حرکت علمی سده‌های باشد.

* بنیان‌گذار دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان

درباره آشنایی و همکاری با مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

جوانِ رعنا

متون در شبه‌قاره بود. متن مصاحبه که در سال گذشته با من شده بود همراه با متن این سخنرانی را مرکز به‌عنوان ضمیمه ۲ آینه میراث، تهران، ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴ م منتشر کرد.

در مرکز، میزگردی دیگر نیز تشکیل شد که با حضور آقایان ایرج افشار، اکبر ثبوت و رحیمی ریس به گفت‌وگو نشستیم که پیرامون چه موضوعات و روی چه ملاک‌ها متون خطی شبه‌قاره تصحیح شود و مرکز به نشر آن‌ها متعهد شود. مرکز به من مسئولیتی داد که مطابق معیارها و ملاک‌هایی تعیین شده، متون شبه‌قاره را به مرکز معرفی کنم که براننده نشر باشد.

آقای جمشید کیانفر، مدیر مجله آینه میراث از من دعوتی کرد که جزء هیئت علمی مجله باشم و نیز مدیر ویژه‌نامه شبه‌قاره باشم که قرار بود آینه میراث منتشر کند. با آقای کیانفر نشستیم و موضوعاتی را برگزیدیم که مقالاتی حول‌وحوش آن نوشته شود. نامه‌ای سراسری نیز تهیه شد و به دوستان در هند و پاکستان ارسال شد. متأسفانه به جز دو سه نفر که به مقاله وعده دادند، کسی موضوع را جدی نگرفت و تا موعده، یک مقاله هم به دستم نرسید! من از مدیریت این ویژه‌نامه عذر خواستم. بعداً آقای جمشید کیانفر به تنهایی ویژه‌نامه شبه‌قاره را منتشر کرد ولی این چیزی نبود که مدنظر ما بود. در این جریان اولین بار متوجه شدم که تهیه کردن مقالات ارزنده و براننده برای مجله چه قدر کاری دشوار است، وقتی ما به مجلات ایراد می‌گیریم که افت کرده‌اند و ضعیف شده‌اند، در واقع مشکل مدیران را در نظر نمی‌گیریم، زیرا مقاله‌نویسان خوب نداریم و آنانی که می‌توانند مقالات خوب بنویسند، فرصت کم دارند یا مقالات خود را به مجلات برتر می‌فرستند. البته حسادت یا مدیر را هم نباید از نظر به دور داشت.

در همین سفر، دو قرارداد چاپ، تألیف و تصحیح کتاب با مرکز امضا شد؛ یکی تصحیح کتاب «ارشاد» اثر قلائسی نسفی و دیگری تألیف «کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)». از اتفاق برای چاپ هر دو کتاب، از پیش، به ترتیب با مرکز نشر دانشگاهی و مؤسسه نشر فهرستگان قرارداد داشتیم، اما ناشر به دلایلی عذر خواست و انتشار این دو کتاب به مرکز میراث مکتوب انتقال پیدا کرد. مرکز ارشاد را در سال ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶ م. منتشر کرد.

بعد از این سفر، همکاری واقعی با میراث آغاز شد. طرح «میراث مکتوب شبه‌قاره» را به مرکز دادم و متونی را معرفی کردم که شایسته چاپ است. با برخی مصححان قرارداد نیز امضا شد. ازین سری اولین کتاب، «مجالس جهانگیری» به تصحیح دکتر معین نظامی و اینجانب، را مرکز در سال ۱۳۸۵ ش/ ۲۰۰۶ م. منتشر نمود. دومین کتاب که از هر لحاظ آماده چاپ بود و به دلایلی منتشر نشد، «زادالمتقین» تألیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی به تصحیح محمد نذیر رانجها بود.

با نشریات مرکز، آینه میراث و گزارش میراث نیز همکاری داشتیم. آقای کیانفر از سر لطف مقالات بنده را در آینه میراث و گزارش میراث چاپ می‌کردند.

بعداً با مرکز همکاری پُرتردم داشتیم و چندین کتاب از من چاپ شد. در هر سفری که به ایران می‌روم، دکتر ایرانی از سر لطف، اهتمام برگزاری نشست با من می‌کند و به من مجال می‌دهد که از اطلاعات جدید در زمینه نسخه‌شناسی و متون شبه‌قاره به سمع ایرانیان برسانم. اکنون که مرکز پژوهشی میراث مکتوب ۳۰ ساله شده (۱۶ اسفند ۱۴۰۲)، تلاش‌های دکتر ایرانی و همکارانی که در طول سی سال داشته‌اند، تحسین می‌گویم. به نظر بنده در حال حاضر این مرکز تنها مرکزی هست که به شبه‌قاره عنایت دارد و ما این را فال نیک می‌گیریم. مرکز پژوهشی میراث مکتوب اکنون جوانی رعنا شده است. تا دیر بماند.

* استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی کالج دولتی گوردون راولپنڈی پاکستان

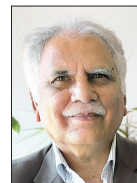
دقیقاً یادم نیست، شاید سال ۱۹۹۹ بود یا ۲۰۰۰ م. سفری به ایران رفته بودم. از قبل، از دروازه‌های پهنه بودم که در تهران مرکزی به نام نشر میراث مکتوب بنیاد شده است که کارش نشر متون خطی و فهراس نسخ خطی است. آدرس گرفتم و پرسان پرسان به دفترش رسیدم. آن موقع دفتر مرکز در تقاطع خیابان انقلاب و فلسطین، در ساختمان فجر بود. بالا رفتیم. در یک راهروی نه‌چندان عریض، دو سه اتاق بود. درباره‌ی مدیر سؤال کردم. به اتاقی راهنمایی‌ام کردند. با جوانی با نام آقای «اکبر ایرانی قمی» روبه‌رو شدم که روی میزش و کنارش پرونده‌ها پشته‌ها و نسخه‌هایی از کتاب‌های منتشر شده پهنه بود. خودم را معرفی کردم و مطابق رسم معارفه از کم‌کیف مرکز نشر میراث سؤال کردم. از پیش در ذهنم هدف این دیدار مشخص بود. لذا از کیفم دست‌نویسی را درآوردم و به دست آقای ایرانی دادم و پیشنهاد چاپ دادم. گزیده‌ای بود از تذکره «مجمع‌النفایس» سراج‌الدین علی‌خان آرزو که خودم تهیه کرده بودم. توفیقی کرد و به من پس داد و عذرش را خواست که ما متن‌ها را به‌طور کامل چاپ می‌کنیم. انتظار داشتیم که از دفتر میراث دست‌خالی برگشته باشیم، اما چنین اتفاقی نیفتاد و از دفتر میراث و دیدار با آقای اکبر ایرانی بی‌نیل و مرام بیرون آمدم.

دو سال دیگر، در ۱۳۸۱ ش/ ۲۰۰۲ م، نخستین کنگره ملی ایران‌شناسی را بنیاد ایران‌شناسی بسیار مجلل در تهران برگزار کرده بودم. من هم رفته بودم. مقاله من درباره‌ی یک نسخه خطی «سراج‌اللغة» تألیف سراج‌الدین علی‌خان آرزو بود که با تصاویر رنگی عرضه کرده بودم. در نمایشگاه، اتفاقاً آقای اکبر ایرانی را هم دیدم و پیشنهاد چاپ فاکسیمیل این نسخه (سراج‌اللغة) را دادم که بسیار زیبا نوشته بود. این دفعه آقای ایرانی عذر آورد که اگر این نسخه تصحیح و مقابله شود، می‌توان چاپ کرد! حالا این بدشانسی خان آرزو بود که هر دو بار چاپ کتاب‌های او را پیشنهاد دادم که رد شد.

تابستان ۱۳۸۲، دوباره سفر یک ماهه تهران پیش آمد. در تهران به همه جاهای مورد علاقه خود رفتم: مرکز نشر دانشگاهی، مؤسسه نشر فهرستگان، خانه کتاب، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر نامه بهارستان، مرکز نشر میراث مکتوب. یک روز برای من پیغام آمد که مرکز میراث مکتوب می‌خواهد برای نشریه آینه میراث، با من مصاحبه‌ای کند. دعوت را پذیرفتم و به دفتر مرکز رفتم. حالاً دفتر مرکز از ساختمان فجر به ساختمان فروردین (در خیابان انقلاب) منتقل شده بود، در همان طبقه‌ای که ده سال پیش اینجا به سراغ آقای بابک افشار و کتابفروشی تاریخ آمده بودم. آقای ایرانی برای مصاحبه با من، پنبلی از آقایان حسن انوشه، جمشید کیانفر و احمدرضا رحیمی ریس و شخص خودش تشکیل داده بود که در حول‌وحوش وضع فارسی در شبه‌قاره و مخطوطات و تصحیح متون سؤال و جواب شد.

تابستان ۱۳۸۳ از راه رسید و بار دیگر رخت سفر تهران بستم و به تهران رسیدم. در واقع درین سفر اولین بار با مرکز نشر میراث مراوده به‌طور کامل شد و چندین امور پیش آمد.

یکی این که مرکز، روزی نشستی با من در دفتر خود برگزار کرد. برای تبلیغات نشست، پوستر رنگی چاپ نمود و تبلیغات کرد. روز نشست سالن مرکز از حضار پُر بود و به قول آقای ایرانی این اولین بار است که این قدر مهمان برای هم چنین نشستی در مرکز حضور پیدا کرده‌اند. آقای حسن انوشه گرداننده نشست بود و در میان حضار علاوه بر دوستان دیگر، استاد احمد منزوی، استاد اکبر ثبوت و دکتر سعید بزرگ بیگدلی نیز بر من منت گذاشتند و تشریف آوردند که در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد با هم بوده‌ایم. موضوع سخنرانی من «مطالعات ایرانی و تصحیح

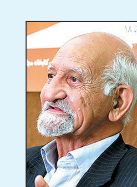


• عارف نوشاهی

یادداشت منتشر نشده‌ای از «غلامرضا جمشیدنژاد اول»

نام نامی

درد الاهی بر جناب آقای دکتر اکبر ایرانی - دامت برکاته - که بنیانگذار مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز پژوهشی میراث مکتوب‌اند. امیدوار چنانچه نام نامی و اسم گرامی ایشان همراه با دوام میراث مکتوب ایران مستدام بماند و همواره اولیای امور فرهنگی کشور از زحمت‌های ایشان تقدیر به‌عمل آورند و کمک‌های شایسته و لازم در جهت پیشبرد هدف‌های متعالی ایشان در خدمت به فرهنگ ایران بزرگ فرهنگی بنمایند و از راهکارهای ایشان الگو بگیرند.



• غلامرضا جمشید نژاد اول

۲۸ تیر ۱۳۹۶

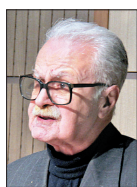
* مصحح و پژوهش‌گر متون خطی

در اهمیت مؤسسه میراث مکتوب

ارجمندتر از پیشینیان

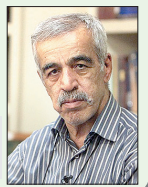
از نظر سابقه در نشر متون کهن، احسان یارشاطر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب را بنیاد نهاد و اکبر ایرانی آن راه را ادامه داد و منشوراتی که مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب بر جای گذاشت، بنگاه ترجمه و نشر کتاب را تحت‌الشعاع قرار داد که خوشبختانه از نظر کیفیت، هم ارجمندتر و مطلوب‌تر در طبع و نشر کتاب است و هم توانسته مرجع اهل تحقیق باشد چون آثاری که منتشر می‌کند، واقعاً گزینشی است و به اعتبار انتشارات مؤسسه میراث مکتوب که نامش هم واقعاً مناسب است، محل توجه و تفقد اهل فضل شده است.

* مصحح متون تاریخی



• محمد روشن

به انگیزه سی سالگی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب احیاگر میراث گران بهای تاریخ و فرهنگ ایران



محمد جعفری قنوازی

سی سالگی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب خجسته باد. حفظ، نگهداری، و در مرحله بعد تصحیح و انتشار دست‌نوشته‌های به‌جامانده از نسل‌های گذشته امکان‌های گوناگون برای پژوهش در حوزه‌های مختلف فرهنگ و تاریخ را فراهم می‌کند. در ایران برخی نهادها و مؤسسه‌ها در کنار کارهای مختلف خود، گاه به تصحیح و انتشار آثار گذشتگان نیز اقدام می‌کنند. اما مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب این کار را وظیفه اصلی خود قرار داده است. این مؤسسه که چند روز دیگر ۳۰ ساله می‌شود تا کنون قریب ۴۰۰ دست‌نوشته از میراث گران‌بهای تاریخ و فرهنگ ایران را تصحیح و منتشر کرده است. نگاهی کلی به سیاهه منشورات این مؤسسه بیش از هر چیز آن را در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف نشان می‌دهد؛ تاریخ شامل تاریخ عمومی، تاریخ سلسله‌ای، تاریخ محلی؛ تذکره‌های شاعران، متون تفسیری، متون جغرافیایی، علوم، فلسفه، موسیقی، مجالس و ملفوظات مشایخ صوفیه و آثاری در حوزه‌های به‌ظاهر کم‌اهمیت مانند خوراک، از جمله اجزایی از فهرست بلند و بالایی منشورات این مؤسسه است. این ویژگی بسیار با اهمیت و در عین حال منحصر به فرد است. این موضوع در عین حال نشان از دیدگاهی متوسع است که فرهنگ ایران را در همه اجزای آن مورد توجه قرار می‌دهد. در حوزه پژوهشی نگارنده این سطور، فولکلور، بیشتر این آثار کاربرد دارند و پژوهشگران فولکلور ضرورتاً باید به آنها مراجعه کنند زیرا در بیشتر آنها از وجوه فولکلور تاریخی ایران سخن رفته است. با آرزوی اینکه فرزندان و نوادگان ما جشن صدسالگی این مؤسسه را بر گزار کنند. سی سالگی آن را به همه کارکنان، پژوهشگران و مدیر کارآشنای آن و نیز همه پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ایران شادباش می‌گویم.

* سرور استار دانشنامه فرهنگ مردم ایران

در شادباش سی‌امین سال تأسیس مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب سبب ساز غنای زبان فارسی



حسن انوری

مجموعه آثاری که از قرن سوم هجری تا کنون باقی مانده، مبین آن چیزی است که ما امروز «ایران» می‌نامیم. اگر این آثار نبود ما در برهوت گم می‌شدیم. بنابراین تصحیح و تنقیح و انتشار آثاری که از قدیم مانده، وظیفه خطیر هر ایرانی فرهنگ‌دوست و فرهنگ‌مدار است و مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب توانسته به خوبی از عهده آن برآید. به‌ویژه آن که هر نسخه خطی و متن کهنی که چاپ می‌شود، می‌بینیم در مقدمه نوشته‌اند لغت‌های تازه‌ای در این متن بوده که تا به حال در فرهنگ‌ها ضبط نشده است. اگر از این دیدگاه نگاه کنیم تعداد بی‌شماری واژه فارسی از این متون استخراج شده که مدیون و موهون این مؤسسه است و سبب شده تا زبان فارسی غنی تر شود. ملت ایران سرشار از شاهکارهای متنی است و باید به آثار باقی‌مانده که در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند توجه کنیم و آن‌ها را از گرد و خاک برهائیم و به منصفه نشر بیآوریم. این بزرگ‌ترین وظیفه کسانی است که به امر نشر فرهنگ اعتنا و عنایت دارند و خوش‌بختانه مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در انجام این مهم، طی سی سال سپری شده توفیق داشته است. * عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

درباره رشته علمی که میراث مکتوب باعث شد قطع نشود پرچم دار احیای متون



مهدی محقق

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در این سی سال که از عمرش می‌گذرد بسیار موفق بوده است زیرا توفیق یافته تا میراث علمی این مملکت را که در گوشه و کنار خاک می‌خورده، زنده نگاه دارد و حفظ کند و این مهم را در ارتباط با مراکز اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی جهان توسعه دهد. به‌روری حفاظت و حراست از متون کهن فارسی و عربی که سرمایه علمی اسلام و ایران است اگر رخ ندهد، ما هم مثل کشورهای نوظهور بی‌تاریخ و فرهنگ می‌مانیم و اساساً مزیت ایران به همین‌ها است که حرکت علمی در آن زنده مانده و ادامه پیدا کرده است. در این میان این مؤسسه، پرچم‌دار این نهضت پژوهشی یعنی احیای متون کهن است و راهی را که پیش از انقلاب یکی دو نهاد هم چون بنیاد فرهنگ ایران به مدیریت زنده‌یاد پرویز ناتل خانلری و بنگاه ترجمه و نشر کتاب به ریاست مرحوم احسان یارشاطر آغاز کردند، ادامه داد و توانست نسل تازه‌ای از مصححان را گرد آورد و زیر نظر افراد باتجربه تعلیم ببینند و همین سبب شد تا این رشته علمی قطع نشود. * رئیس مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل

درباره سی سال تلاش برای احیای متون کهن سبب ساز گره خوردن پیران و جوانان



حسین معصومی همدانی

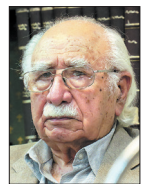
درست است که میراث مکتوب مؤسسه‌ای است که با کمک دولت اما با کم‌ترین امکانات دولتی فعالیت می‌کند اما در همه‌جای جهان و ایران چنین مراکزی که دربارۀ احیای متون کهن کار می‌کنند، مشمول حمایت دولت می‌شوند زیرا چنین کارهایی در توان ناشران خصوصی نیست. چون این‌گونه تحقیق‌ها باید در دانشگاه‌ها انجام شود - فارغ از این‌که می‌شود یا نمی‌شود یا چه کیفیتی دارد - و در این مراکز مثل میراث مکتوب نشر یابد. پیش از انقلاب بنیاد فرهنگ ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب و انجمن آثار ملی بودند که این بار را به دوش می‌کشیدند ولی پس از انقلاب این تکلیف تقریباً بر عهده این مؤسسه افتاده است.

در این میان در حوزه تاریخ علم که تخصص بنده است، آثار مهمی تصحیح یا تصحیح انتقادی کرده که می‌تواند برای محققان آینده سرمشق باشد. از جمله «منتهی‌الإدراک فی تقاسیم الافلاک» نوشته ابومحمد عبدالجبار خرقی که نخستین رساله جامع در هیئت بطلمیوسی است و با تصحیح حنیف قلندری منتشر شد، اثر مهمی است. ناگفته نماند بسیاری از منشورات میراث مکتوب، پژوهش جوانان زیر نظر پیشکسوتان بوده که برخی مستقل و برخی دانشگاهی بودند و این سبب گره خوردن پیران این عرصه با جوانان مستعد شده است و رخداد مبارکی است زیرا نمی‌توان منتظر ماند تا همه کارها را مجربان انجام دهند چون باید انتقال تجربه صورت گیرد که اگر چنین نشود، چنین محصولاتی نخواهیم داشت و جالب توجه که در این سی سال هرچه زمان گذشته، ملاک‌ها دقیق‌تر و بهتر و حوزه کارش وسیع‌تر شده است.

میراث مکتوب اما مؤسسه‌ای جهانی است و آثارش محل رجوع و غنیمتی برای ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان خارجی است. از جمله «الرساله المعینة» نوشته خواجه نصیرالدین طوسی با تصحیح سجاد نیک‌فهم خوب‌روان و فاطمه سوادى زیر نظر جمیل رجب، استاد مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل که رخداد خجسته‌ای است و این نشان می‌دهد این مؤسسه در نشر منقح آثاری که همیشه درباره‌اش صحبت می‌کردند ولی کاری نشده بود، کوشیده است و ولی افسوس که امکانات ما برای تماس با دنیا محدود است و کاش می‌شد انتشار این‌گونه مکتوبات را بیش‌تر معرفی کرد.

* عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

تبریک به مؤسسه میراث مکتوب توجه به اندوخته‌های مکتوب ایرانی



سیدفتح‌الله مجتباتی

سی سالگی میراث مکتوب را به خدمتگزاران تاریخ و فرهنگ ایران، خصوصاً جناب آقای دکتر ایرانی مدیر و بنیانگذار این مرکز مهم که اندوخته‌های مکتوب ایرانی را مورد توجه خاص داشته و به طبع و نشر آنها به بهترین صورت پرداخته‌اند صمیمانه تبریک می‌گویم و توفیقات ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

* مشاور عالی بخش ادیان و عرفان مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

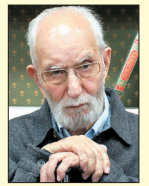
درباره کار واجبی که میراث مکتوب کرده است هیچ‌یک از اهل فرهنگ به آن طریق نرفتند



توفیق سبعتی

کار واجبی است که مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب در سه دهه اخیر انجام داده است چنان‌که هیچ‌یک از اهل فرهنگ به آن طریق نرفتند. این نهاد فرهنگی توانست این متون کهن که در کتابخانه‌های عموماً شخصی بودند و یا در گوشه و کنار خاک می‌خورد، پس از تصحیح و تنقیح، به دست اهل علم برساند. و این نشان می‌دهد فرهنگ ایران‌زمین، خلق‌الساعه و به‌خودی خود به جایگاه و پایگاه امروز و اکنون نرسیده است و همین معرفی آثار، بسیار مهم است. * مترجم مصحح متون ادبیات عرفانی

به انگیزه سی سالگی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب دو بازوی پرتوان



محمدعلی موحد

در حسرت این دمی که دارم سی سال بسوخته است جانم داشته یادداشت دوست عزیزم آقای ایرانی را در سرمقاله شماره ۹۶-۹۷ فصلنامه گزارش میراث می‌خواندم که این بیست به خاطر آمد و این گونه به نظر رسید که نویسنده یادداشت و گوینده بیت در حال و هوای مشابهی سخن گفته‌اند. مقصود اشاره به آن احساس سرشار از رضایت خاطر و خرسندی است که در کلام هر دو موج می‌زند و هر دو از یک دوره سی‌ساله تلاش و تقلا یاد می‌کنند و خوشحالند از این توفیق که سعی‌شان باطل نبوده و به ثمر نهشته است. آقای ایرانی از سی سال کوشش مستمر در «احیاء و نشر گلچینی از ذخائر علمی و فرهنگی ایران و اسلام» سخن می‌گوید، آخرین حلقه از این گلچین که هم‌اکنون من در پیش روی خود دارم، تاریخ خلیج فارس از محمدحسین سعادت کازرونی است که فهرست آثار منتشر شده مؤسسه میراث مکتوب نیز در پیوست آخر کتاب آمده است. این فهرست شامل ۳۸۹ عنوان در ۴۵۷ جلد کتاب است - دستاوردهای قابل ملاحظه و درخور تحسین.

کسانی که اندک آشنایی با عالم نسخه‌های خطی و مشکلات مربوط به قرائت و تصحیح و تنظیم آنها دارند، معنی این تعداد را خوب می‌دانند و من در اینجا لازم می‌دانم از دو بازوی پرتوان میراث مکتوب یعنی فصلنامه گزارش میراث مختص حوزه نقد و تصحیح متون و نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی و نیز دو فصلنامه موسوم به آینه میراث مختص پژوهش‌های ادبی و متن‌شناسی نام ببرم و بالخصوص یاد و خاطره شماره‌هایی از فصلنامه را که تمرکز در موضوع واحدی دارند، مانند شماره‌های ۸۸-۸۹ (پاییز ۱۴۰۰) که ویژه تاریخ و زبان و فرهنگ آذربایجان است، برجسته‌تر گردانم. به میراث مکتوب تبریک می‌گویم که در مدت فعالیت خود، توانسته است نظر خیل عظیمی از پژوهشگران پرمایه را به خود جلب کند و از همکاری آنان که حاصل تحقیقات عالمانه و بی‌سروصدای خود را کریمانه در اختیار میراث مکتوب می‌گذارند برخوردار باشد. به آن محققان گرامی دست‌میزاد و مرحبا می‌گویم و به عنوان خواننده میراث مکتوب، قدردانی و سپاسگزاری از آنان را وظیفه خود می‌دانم و به آقای ایرانی - آن درامد پرتلاش و کوشا - آفرین‌ها می‌خوانم و از خداوند خواهانم که آن عزیز را همیشه - چنان‌که هست - سر سبز و خوش و خرم و امیدوار و تازه نفس نگاه دارد.

* عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی